

بررسی نقش عوامل اجتماعی بر تکدی‌گری در شهر گنبد کاووس در سال ۱۳۹۰*

علیرضا اسماعیلی^۱

چکیده:

گدایی درخواست کمک مالی از دیگران برای گذراندن زندگیست که از زمان‌های بسیار دور در جوامع وجود داشته و همچنان وجود دارد. هدف بررسی و شناخت علل گرایش به تکدی‌گری قشرهای آسیب‌پذیر جامعه و ارائه نتایج آن به مدیران جهت برنامه‌ریزی مناسب جهت کاهش آن در کشور می‌باشد. روش تحقیق پیمایشی و مهمترین ابزار گردآوری داده‌ها یا تکنیک غالب در پژوهش، پرسشنامه است. جامعه آماری متکدیان شهر گنبد کاووس هستند که در این پژوهش سرشماری گردیدند. نتایج بررسی نشان می‌دهد، بین متغیرهای سن، تأهل، بعدخانوار، محل تولد، نظارت و سلامت خانواده، فقر اقتصادی، مهاجرت و دوستان با تکدی‌گری رابطه معنی‌داری وجود دارد و میزان همبستگی ۰/۷۲۴ است. همچنین محاسبه رگرسیون نشان می‌دهد، در مجموع ۵۲/۴ درصد تغییرات متغیر وابسته با عوامل اجتماعی مورد مطالعه تبیین می‌گردد، زیرا سطح معنی‌داری محاسبه شده برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که معنی‌دار بودن آن را در سطح ۹۹ درصد تأیید می‌کند.

کلید واژه: تکدی، تکدی‌گری، فقر اقتصادی، نابهنجاری، کجروی، نظارت خانواده

* تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۵/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۵

۱- عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی آزادشهر are1346@gmail.com

۱- مقدمه

تکدی‌گری یک پدیده اجتماعی نوظهوری نیست، بلکه قدمت آن به تاریخ شکل‌گیری انسان است، همیشه در طول تاریخ فقر و نابرابری اجتماعی از جامعه جداناپذیر و یک روی سکه است، ثروت و دارائی نیز روی دیگر آن است. به عبارت دیگر، تکدی‌گری به عنوان یک آسیب اجتماعی حاصل ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جامعه و زاینده فقر و نابرابری‌های اجتماعی است.

علیرغم آنکه، برخی تکدی‌گری را دستاورد شبکه‌های سودجو و استثمار طبقه فقیر جهت وادار نمودن آنها به تکدی‌گری می‌نمایند، لیکن واقعیت در این پژوهش چیز دیگری را نشان می‌دهد، شیخاوندی به نقل از گیلومر می‌نویسد، «گدایی یک فعالیت سازمان یافته است که فرد در آن گدایی را به کارکردن ترجیح می‌دهد، هر چند که توانایی کارکردن را دارد» (فتحی و دیگران، ۱۳۸۰، ۱۶). البته ممکن است در کلان شهرها تکدی‌گری سازمان یافته هم وجود داشته باشد، لکن اولاً در شهرهای کوچکتر سازمان یافته نیست و حاصل فقر و ناتوانی اکثریت متکدیان شهر گنبد کاووس است. ثانیاً در کلان شهرها نیز بسیار محدود است. اقدامات سازمان‌های حمایتی از جمله سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام (ره) نتوانسته بطور جدی گام مؤثری در جهت کاهش متکدیان بر دارد، لذا دولتمردان و سیاستگذاران اجتماعی باید جهت حل این معضل اجتماعی راهکارهای علمی ارائه نمایند، زیرا هر عملی بدون پشتوانه علمی و تئوریک منجر به شکست می‌گردد.

توسعه هر جامعه نیازمند نیروی انسانی متخصص جهت تولید و بهره‌وری بیشتر است، در ایران علیرغم جوانی جمعیت، نیروی انسانی به شایستگی نتوانسته به وظیفه خویش عمل نماید، زیرا افراد جامعه به دنبال کار بی‌زحمت و درآمد کلان هستند و یکی از بی‌زحمت‌ترین کارها گدایی است. متکدیان گاهی بطور مستقیم از دیگران در خواست کمک می‌نمایند و گاهی در قالب فروش آدامس، مجلات تاریخ گذشته، فال حافظ و ... از دیگران تقاضای کمک می‌نمایند.

متکدی فردی است که بطور علنی و آشکار از دیگران در خواست کمک می‌کند. در حالی که مردم نسبت به تأمین معاش او مسؤولیت حقوقی ندارند، لیکن در بسیاری اوقات به لحاظ انسان دوستی به آنها کمک می‌کنند. گرچه آنها استحقاق و شایستگی کمک‌های نقدی و غیرنقدی را نداشته باشند. چرا که برخی از آنها جوان و از توانایی لازم برای کار برخوردارند. البته بخشی از آنها چاره‌ای جز گدایی به لحاظ کهولت سن، بیماری مشکل جسمی جهت گذران زندگی ندارند. «گدایی را می‌توان عملی دانست که شخص متکدی بدون نداشتن استحقاق و شایستگی واقعی مقداری وجه و یا کمک غیرنقدی از دیگری تقاضا می‌کند. گاهی اوقات عمل تکدی تحت پوشش اعمال دیگری مانند فروشندگی،

دستفروشی و انجام می‌گیرد. گدایان روشهای مختلفی دارند، ولی اساس آن مبتنی بر جلب محبت مردم است» (فتحی و دیگران ۱۳۸۰: ۱۵). معمولاً متکدیان جوان در مکان‌ها یا شهرهای ناآشنا متوسل به گدایی می‌گردند، به عبارت دیگر، «متکدی فردی است که در ملاً عام از افراد غیرآشنا درخواست کمک مالی دارد» (حاجیان مطلق، ۱۳۸۱، ۱۹۳).

تکدی‌گری همانند سایر جرایم، معلول توسعه شهری و شهرنشینی است که ملازم با صنعتی شدن و افزایش مهاجرت از روستا به شهر است. مهاجرت و توسعه شهرنشینی سبب گسترش جمعیت کلانشهرها و حاشیه نشینی گردیده و به نظر آسیب شناسان با گسترش شهرها تمایل به رفتار مجرمانه افزایش می‌یابد. لذا هرچه شهرنشینی گسترش یابد، تعداد افرادی که به تکدی‌گری روی آورند افزایش خواهد یافت.

تکدی‌گری نه تنها جرم و آسیب اجتماعی است، لیکن خود منجر به نابهنجاری‌های اجتماعی دیگر از جمله فروش مواد مخدر، اعتیاد، ولگردی، اشاعه فساد و روسپیگری می‌گردد و بطور قطع با تراکم جمعیت در شهرها ارتباط تنگاتنگی دارد. گدایی محصول نابسامانی اجتماعی است، بدین معنی که جامعه نتوانسته شرایط مناسب اجتماعی و اقتصادی را جهت افراد جامعه، بویژه سالخوردگان، معلولان، ایتم و بی‌سرپرستان فراهم نماید. لذا آنها به ناچار برای بقای خویش دست به تکدی‌گری می‌زنند. لذا پرداختن به تکدی‌گری در جهت کاهش آن امری ضروری است. در این پژوهش، به بررسی تکدی‌گری در شهر گنبد کاووس، دومین شهر استان گلستان پرداخته می‌شود تا مهمترین عوامل مؤثر بر گرایش افراد به تکدی‌گری در سال ۱۳۹۰ بررسی گردد.

۲- اهداف پژوهش

الف) هدف اصلی: شناخت نقش عوامل اجتماعی بر تکدی‌گری است.

ب) اهداف فرعی:

- شناخت و آگاهی از نقش عوامل جمعیتی از جمله جنسیت، سن، تحصیلات، تأهل و محل تولد بر تکدی‌گری.

- شناخت و آگاهی از نقش خانواده مانند نظارت و سلامت خانواده بر تکدی‌گری.

- شناخت و آگاهی از نقش فقر و بیکاری بر تکدی‌گری.

- شناخت و آگاهی از نقش دوستان بر تکدی‌گری.

- شناخت و آگاهی از نقش مهاجرت بر تکدی‌گری.

۳- مروری بر پیشینه تحقیق

در پژوهشی تحت عنوان «بررسی علل تکدی‌گری در استان آذربایجان غربی، متغیرهای اعتیاد فرد و اعتیاد خانواده، بیسوادی و بیکاری رابطه‌ی معناداری با تکدی‌گری داشته‌اند. داده‌های نشان می‌دهد، از مجموع افراد مورد بررسی، ۸۰/۵٪ بیسواد و ۱۷٪ سواد خواندن و نوشتن و کمتر از ۱٪ دارای مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر بوده‌اند. همچنین ۱۷٪ از جمعیت مورد مطالعه اعلام داشتند که حداقل یک نفر از اعضای خانواده شان معتاد می‌باشد و ۱۱/۸٪ از افراد مورد مطالعه خود معتاد بودند (مظفری و محمدی، ۱۳۷۹). در تحقیق دیگری، تحت عنوان «بررسی پدیده تکدی‌گری و رابطه آن با فقر در استان اردبیل، متغیرهای فقر اقتصادی، خانواده، ویژگی‌های شخصیتی و نگرش متکدیان با تکدی‌گری سنجش گردید که نتایج وجود رابطه‌ی معنی‌دار را تأیید می‌کند. با توجه به داده‌های پژوهش می‌توان گفت ریشه‌ی گدایی و تکدی‌گری فقر و ناداری است، یا متغیرهای واسط، مانند ویژگی‌های فردی و اجتماعی متکدیان، گروه سنی، وضعیت خانوادگی و جایگاه اجتماعی آنان نیز با تکدی‌گری مرتبط است. داده‌ها نشان می‌دهد، ۴۰٪ پاسخگویان، افراد تحت تکفل آنها بیش از ۵ نفر است، ۵۰٪ متکدیان معلولیت جسمی و ذهنی، ۸۵/۶٪ نان آور خانواده و ۶۰٪ قبل از شروع به کار تکدی‌گری بیکار بودند و در مجموع ۵۰٪ آنها به طور مستقیم فقر و ناداری را باعث روی آوردن به کار تکدی‌گری دانسته‌اند. (نریمانی، ۱۳۸۰، چکیده).

۴- نظریه‌های جامعه‌شناختی (Sociological Theories)**۴-۱- نظریه بی‌هنجاری (Anomie Theory)**

مفهوم بی‌هنجاری، نخستین بار توسط امیل دورکیم در کتاب خودکشی وی مطرح شد. انحراف یا جرم از دیدگاه دورکیم امری طبیعی است، لذا مجرمان کار طبیعی را انجام می‌دهند. به نظر دورکیم همه جوامع دارای جرم هستند و جرم در جامعه دارای کارکرد است. به نظر دورکیم انحراف به حفظ نظم اجتماعی کمک می‌کند، زیرا مرزهای اخلاقی مبهمی وجود دارد که جرم این مرزها را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر، از آنجایی که مرزهای فعلی روشن نیستند، این واکنش اجتماعی نسبت به عمل انحرافی فرد دیگر است که کمک می‌کند تا مردم درک کنند که چه باید بکنند. لذا دورکیم استدلال می‌کند که رفتار به وسیله واکنش اجتماعی کنترل می‌شود (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۶، ۲۰۲). نظریه بی‌هنجاری رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهای اجتماعی می‌داند که بعضی مردم را وادار به کجروی می‌کند. تعبیر ساده این نظریه در یک ضرب‌المثل معروف آمده است که «فقر باعث جرم می‌شود» به موجب این

ضرب المثل فراوانی فقر در یک ساختار اجتماعی فشارهایی را برای بروز انواع خاصی از کجرویه‌ها از جمله تکدی‌گری فراهم می‌سازد. پس از دورکیم رابرت مرتن جامعه‌شناس آمریکایی، «کوشید تا بی-هنجاری را به انحرافات اجتماعی ربط دهد و گفت نه تنها خودکشی، بلکه انواع انحرافات اجتماعی دیگر نیز حاصل شرایط بی‌هنجاری جامعه است» (فنادان و همکاران، ۱۳۷۵، ۲۰۵). از دیدگاه مرتن انواع رفتارهای انحرافی حاصل شرایط بی‌هنجاری جامعه است. به نظر او اگر جهت رسیدن به اهداف مهم فرهنگی، راه‌های مناسب جهت دستیابی به اهداف فراهم نباشد، فرد به ناچار منحرف می‌گردد (ستوده، ۱۳۸۰، ۱۲۸-۱۲۷). به نظر مرتن اعضای قشرهای پایین اجتماعی به احتمال زیاد نمی‌توانند از مسیرها و راه‌های عادی مورد قبول جامعه به اهداف دست پیدا کنند، لذا جهت گذران زندگی چاره‌های جز انحراف باقی نمی‌ماند.

به نظر مرتن، انحراف ناشی از عدم تعادل در نظام اجتماعی است که طبق آن اهداف فرهنگی با وسایل و ابزار رسیدن به آن در تعارض است. «بنابراین هر جا که انحراف از هنجارها مشاهده شود، نشانه‌ی آنست که اتحاد بین اهداف فرهنگی و راه‌های نهاده شده، گسسته شده است» (سخاوت، ۱۳۷۶، ۵۱). وی بی‌هنجاری را به فشاری اطلاق می‌کند که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند، بر رفتار افراد وارد می‌آید (گیدنز، ۱۳۸۶، ۱۷۰). وی پنج واکنش بین ارزش‌ها و وسایل دستیابی به آن را تشخیص می‌دهد که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد:

الف) هم‌نوایان یا بهنجارها (Conformists): گروهی که هم اهداف و ارزش‌های فرهنگی و هم وسایل رسمی و مشروع جهت نیل به آن را پذیرفته‌اند.

ب) نوآوران یا بدعت‌گذاران (Innovators): کسانی که اهداف فرهنگی جامعه را می‌پذیرند، لیکن وسایل و ابزار مشروع جهت رسیدن به آن را نمی‌پذیرند و از وسایل غیرمشروع و غیرقانونی برای دستیابی به اهداف استفاده می‌کنند.

ج) شعائرگرایی یا مناسک‌گرایی (Ritualism): کسانی که وسایل و ابزار قانونی و رسمی را برای رسیدن به اهداف فرهنگی جامعه را می‌پذیرند، لیکن خود آن اهداف را رد می‌کنند. آنچه برای آنها مهم است، آداب و رسوم و تشریفات است.

د) انزواگرایان یا واپس‌گرایان (Retreatists): افرادی هستند که هم اهداف فرهنگی، هم وسایل دستیابی به آنها را رد می‌کنند. در واقع آنها یا از جامعه طرد شده‌اند یا خود از جامعه کناره‌گیری کرده‌اند. ولگردان و معتادان جزو این گروه محسوب می‌شوند.

مدل آسیب‌شناختی رابرت مرتن

وسایل نهادی شده	اهداف فرهنگی	خرده فرهنگ‌ها	
+	+	همنوایان	
-	+	نوآوران	گروه‌های کجرو
+	-	شعائر گرایی	
-	-	انزواگرایان	
-	-	طغیان‌گرایان	
+	+		

ذ) طغیان‌گرایان یا شورشیان (Rebellion): کسانی هستند که هم اهداف فرهنگی، هم وسایل دستیابی به آنها را رد می‌کنند، لیکن «بر خلاف انزواگرایان بدون هدف نیستند، بلکه راهها و اهدافی را به عنوان جایگزین آنها معرفی می‌کنند.» (تنهایی، ۱۳۷۴: ۲۱۰)

۴-۲- نظریه پیوند افتراقی (Differential Association Theory)

نظریه پیوند افتراقی، زیرمجموعه نظریه یادگیری اجتماعی (Social Learn Theory) است. به نظر ادوین اچ ساترلند (E.H.Sutherland) مهمترین صاحب‌نظر این حوزه، انحراف تحت تأثیر نگرش‌های آموخته شده بوجود می‌آید. از دیدگاه وی، افراد به این علت کجرفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنها بیش از ارتباط‌های غیر انحرافی شان است. هنگامی که شخصی وارد یک گروه می‌شود، در معرض یک سری ارزش‌ها و هنجارهای آن قرار می‌گیرد که برخی از آنها مطلوب و برخی دیگر نامطلوب است. بنابراین اگر فرد ارزش‌های مطلوب بیشتری در رابطه با بزهکاری نسبت به ارزش‌های غیرمطلوب فرا بگیرد، احتمال اینکه منحرف شود بیشتر خواهد بود. البته به نظر ساترلند، لزوماً فرد نگرش‌های انحرافی را از بزهکاران دیگر فرا نمی‌گیرد (پرت واین و ساموتر، ۱۳۸۶، ۶۴). ساترلند معتقد است که رفتار انحرافی مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق پیوستگی و ارتباط با دیگران، انگیزه‌ها و گرایش‌ها و ارزش‌های انحرافی فراگرفته می‌شوند. بنابراین متکدیان نه تنها به دلیل فقر و از هم گسیختگی خانواده و مسائل و مشکلات روانی و اجتماعی راه انحراف را انتخاب کرده، بلکه به علت بی‌توجهی و عدم تمرکز خانواده و سن کم در مواجهه با منحرفان به تکدی‌گری روی می‌آورند (استیسی، ۱۳۷۸، ۱۳۴).

به عبارت دیگر، «فرایند یادگیری رفتار مجرمانه به وسیله دوستان فرد مجرم تعیین می‌شود. ساترلند بر این باور است کسانی مرتکب رفتار انحرافی می‌شوند که بیشتر با کجروان و مجرمان حشر و نشر

دارند. به بیان دیگر، رفتار انحرافی از طریق معاشرت با دوستان ناباب آموخته می‌شود (قنادان و همکاران، ۱۳۷۵، ۲۰۶). براین، کجرفتاری در جریان کنش متقابل با دیگران آموخته می‌شود. بخش اصلی یادگیری کجروی در اثر ارتباط صمیمی درون گروه انجام می‌گیرد و در فرآیند این یادگیری، تکنیک‌های ارتکاب جرم آموخته می‌شود و الگوی رفتار انحرافی برای فرد مهمتر و ارزشمندتر از الگوی قانونی موجود تلقی می‌گردد. به بیان دیگر، «رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با منحرفان آموخته می‌شود. لذا رفتار انحرافی، نه منشأ ارثی دارد و نه روان‌شناختی، بلکه شخص کاملاً آن را از دیگران فرا می‌گیرد، همانگونه که هم‌نویان از طریق همین ارتباط با افراد سازگار، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی آن گروه را پذیرفته، خود را با آن انطباق می‌دهند (رابرتسون، ۱۳۷۲، ۱۷۰).

رابرت برگس و ایگز معتقدند، «اگر هنجارهای اجتماعی و قوانین به صورت واقعی هم‌نویایی با رفتارهای قانونی را برای فرد تقویت نکنند، او بزهکار می‌شود، زیرا رفتار با تقویت مثبت شکل می‌گیرد» تری داستر (۱۹۷۰) گروه همسالان و دوستان را در انجام انحراف مهم می‌داند (نائیچی، ۱۳۸۷، ۲). بنابراین در مجموع رفتار انحرافی از طریق معاشرت با «دوستان ناباب» آموخته می‌شود. ادوین ساترلند بر این اعتقاد است که رفتار انحرافی از طریق «معاشرت با اغیار» یا «پیوند افتراقی» یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند جنایتکاران آموخته می‌شود (ستوده، ۱۳۸۰، ۱۳۰).

۳-۴- نظریه کنترل اجتماعی (Social Control Theory)

رویکرد کنترل اجتماعی روی این نکته متمرکز است که میزان تعهد فرد به جامعه، عامل تعیین‌کننده در کجروی از جمله تکدی‌گری می‌باشد. جوانانی که پیوند محکمی با والدین و مدرسه دارند، درگیر رفتار مجرمانه می‌شوند. بعبارت دیگر، هیرشی علت هم‌نوائی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنها دانسته است. به نظر وی پیوند میان فرد و جامعه مهمترین علت هم‌نوائی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فردی است و ضعف پیوند علت اصلی کجرفتاری است. بعبارت دیگر، میزان تعهد فرد به جامعه، عامل تعیین‌کننده در کجروی افراد است. نوجوانانی که تعهد و ارتباطات محکمی با والدین و مدرسه دارند، کمتر درگیر رفتار مجرمانه می‌شوند. بنابراین هنگامی که تعهد فرد به جامعه ضعیف باشد یا از بین برود، کجروی بوجود می‌آید.

نظریه‌های کنترل اجتماعی محیط اجتماعی را عامل بزهکاری می‌دانند، به عبارت دیگر بزهکاران رفتارهای نابهنجار را از محیط می‌آموزند. به نظر رایس عدم کنترل‌های درونی در دوران طفولیت که از

خانواده، اقوام، خویشاوندان و مدرسه متأثر است، سبب بزهکاری آنها در بزرگسالی می‌گردد. به نظر کری (۱۹۹۳)، «تنها خانواده‌ها و فرهنگ‌های مستحکم می‌توانند به طور اساسی از بزهکاری جلوگیری کنند. بنابراین سستی خانواده‌ها، عدم وجود افراد بزرگسال و عدم وجود فرهنگ اصیل، می‌تواند سبب فروپاشی کنترل اجتماعی شود و در نهایت انحراف را در نوجوانان و جوانان تقویت کند. بعبارت دیگر، پیوندهای خانوادگی و روابط با همسالان در جلوگیری از بزهکاری نقش مهمی ایفا می‌کنند و «پیوندهای خانوادگی مهمتر از روابط با همسالان است» (نائیجی، ۱۳۸۷، ۲)

کنترل اجتماعی به شیوه‌ای اطلاق می‌شود که جامعه برای واداشتن اعضایش به هم‌نویی به کار می‌برد. دورکیم براین باور است که اگر در جامعه‌ای همبستگی اجتماعی قوی باشد، اعضای آن احتمالاً با ارزشها و هنجارهای اجتماعی هم‌نوا می‌شوند، لکن اگر همبستگی اجتماعی ضعیف باشد ممکن است مردم به سوی «رفتار مجرمانه» کشیده شوند. به بیان دیگر افرادی که با اجتماع خود همبستگی دارند تمایل به تبعیت از مقررات و بالعکس، کسانی که از اجتماع خود بریده‌اند، تمایل به نقض مقررات دارند.

بنابراین کجروی‌ها با توجه به ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع با یکدیگر متفاوتند. در جامعه روستایی، روابط بر اساس احترام به بزرگترها و ریش‌سفیدان است، لکن در جامعه شهری، روابط با دیگران متناسب با نیاز و مسؤولیت افراد جامعه تعیین می‌گردد (هدایت‌الله ستوده، ۱۳۸۰، ۱۳۷).

تراوس هیرشی (T.Hirshi)، مهمترین صاحب نظر این رویکرد، بزهکاری را بی‌اهمیتی به قید و بندهای اجتماعی و عدم کنترل جوانان از طرف خانواده، دوستان و مدرسه می‌داند. بعبارت دیگر وابستگی جوانان به خانواده، دوستان و مدرسه در جلوگیری از بزهکاری بسیار مهم است. هیرشی قید و بندهای کنترل اجتماعی را در چهار بعد بیان می‌کند:

۱) **وابستگی (Attachment)**: وابستگی به والدین، اقوام، دوستان و مدرسه نوعی قید و بند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت هنجارهای اجتماعی می‌کند.

۲) **تعهد (Commitment)**: طبق آن هر چه فرد به قیود اجتماعی تعهد بیشتری داشته باشد، بیشتر از بزهکاری پرهیز می‌کند. حفظ شوون خانوادگی، پیروی از دستورات مذهبی و امثالهم سبب پرهیز از بزهکاری می‌شود.

۳) **مشغولیت (Involvement)**: اشتغال در امور و فعالیت‌های اجتماعی در جامعه مانند کار، ورزش، سرگرمی و امثالهم سبب می‌گردد، فرد برای کار خلاف و بزه وقت نداشته باشد. لیکن آدم بیکار

فرصت بیشتری برای اعمال خلاف خواهد داشت.

۴) **عقاید (Belief):** میزان باور و اعتقاد فرد به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، مانند باور به نیکوکاری و حسن شهرت در خانواده و جامعه، سبب می‌شود فرد پایبند به آنها باقی بماند (عباسی، ۱۳۸۷، ۱۱).

۴-۴- نظریه برچسب زنی (Labeling Theory)

نظریه برچسب یکی از مهمترین رویکردها، جهت درک انحراف یا تبهکاری است. نظریه برچسب بر این اعتقاد است که واکنش جامعه نسبت به انحراف پیامدهایی را برای رفتارهای آتی شخص متخلف بوجود می‌آورد. جامعه برخی از رفتارها مانند دزدی را به عنوان بزه تلقی می‌کند و شخصی که مرتکب چنین رفتارهایی می‌شود، از طرف اجتماع به عنوان بزهکار برچسب می‌خورد. بدین صورت برچسب خوردن باعث می‌شود که جامعه با فرد به طریقی رفتار کند که سزاوار یک انسان مجرم یا بزهکار می‌باشد. (پرت و این و ساموتر، ۱۳۸۶، ۸۵) همچنین «مجرم‌دانستن یک فرد، او را به جنایت ترغیب می‌کند. زمانی که فرد احساس می‌کند، دیگران او را مجرم می‌دانند و انتظار جنایت از او را دارند، بیشتر به ارتکاب جنایت تمایل می‌ورزد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ۳۸۸). «نظریه‌سازان برچسب زنی، کجروی را نه به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های افراد یا گروهها، بلکه به عنوان یک فرایند کنش متقابل میان کجروان و ناکجروان تبیین می‌کنند. به نظر آنها برای درک ماهیت کجروی باید ببینیم، چرا به بعضی افراد برچسب کجروی زده می‌شود.» (گیدنز، ۱۳۸۶، ۱۶۲) هنگامی که افراد از قوانین اجتماعی سر باز می‌زنند، اگر سایر افراد جامعه از جمله خانواده و دوستان به آنها برچسب منحرف زنند، منحرف محسوب نمی‌گردد، لکن سایر افراد جامعه عمل فرد را انحراف بدانند، برچسب برانزده آنهاست.

«همین که برچسب بزهکار به جوانی زده شد، به عنوان مجرم بدنام می‌شود و ممکن است توسط معلمان و کارفرمایان آینده به عنوان فردی غیر قابل اعتماد در نظر گرفته شود. آنگاه فرد به ورطه‌ی رفتار تبهکارانه‌ی بیشتری سقوط می‌کند و فاصله‌اش با میثاق‌های اجتماعی رسمی زیادتر می‌شود. ادوین لمرت (۱۹۷۲) نخستین عمل خطا را کجروی نخستین می‌نامد. کجروی دومین هنگامی رخ می‌دهد که فرد برچسبی که به او زده شده را می‌پذیرد، و خود را به عنوان کجرو می‌بیند» (همان، ۱۶۲).

کسانی که به تکدی‌گری روی می‌آورند، اصلاً این عمل را اقدامی انحرافی نمی‌پندارند، لیکن چون این کنش توسط دوستان، والدین، مقامات رسمی و پلیس انحراف تلقی می‌شود، فرد برچسب بزهکار و منحرف را از دیگران دریافت می‌کند.

به نظر هوارد بکر، رفتار انحرافی بواسطه تعامل با سایر افراد جامعه شکل می‌گیرد، زیرا مردم به آن رفتار برچسب انحرافی می‌زنند. به عبارت دیگر، چیزی به عنوان رفتار انحرافی وجود ندارد، بلکه زمانی یک رفتار انحرافی می‌شود که سایرین چنین بیندارند. به نظر بکر، سرو صدای افراطی نوجوانان در محلات بالای شهر نشانه نشاط و شادابی آنهاست، در صورتیکه همین رفتار برای نوجوانان محلات پایین شهر بزه محسوب می‌شود، زیرا نظم شهر به هم ریخته است (علی پوری‌نیا، ۱۳۶۰، ۴۶) به نظر بکر راه بازگشت به جامعه برای منحرفان وجود دارد و افراد بزهکار وقتی که مشغول کار می‌شوند، دست از اعمال خلاف بر می‌دارند. لیکن هنگامی که بر آنها برچسب زده می‌شود، به سمت گروه‌های منحرف سوق پیدا می‌کنند. بنابراین تقویت انحراف ناشی از واکنش اعضای جامعه نسبت به بزهکار است (صفوی، ۱۳۷۰، ۵۷). به نظر ادوین لمرت، اولین باری که فرد به عنوان گناهکار انگ می‌خورد، پذیرش چنین هویت جدیدی برای او مشکل است. لیکن در تعامل با سایر افراد جامعه رفتار او را مجدداً سازماندهی می‌کند و رفتار کجروانه را انتخاب می‌کند. همچنین «برچسب انحراف ممکن است فرد را از خانواده و دوستان بگسلد، سبب شود که شغلش را از دست بدهد و از محل سکونتش اخراج گردد. این جریان ممکن است سبب انحراف بیشتری شود» (همان، ۵۷) بنابراین باید از هرگونه برچسب یا انگ به نوجوانان پرهیز کرد. لذا نظریه پردازان برچسب، انحراف را یک پدیده اجتماعی می‌دانند و براین باورند که کجروی‌های اجتماعی ناشی از عوامل روان شناختی یا زیست‌شناختی نیست و منحرفان ذاتاً منحرف نیستند بلکه این جامعه است که هویت انحرافی را در افراد پدید می‌آورد.

۴-۵- نظریه خرده فرهنگی (Sub-Cultural Theory)

برخی از جامعه‌شناسان رفتار کجروانه را به عنوان هم‌نمایی افراد با خرده فرهنگ‌هایی می‌دانند که به آن تعلق دارند. خرده فرهنگ‌ها، الگویی از ارزش‌ها، هنجارها و رفتار هستند که در میان گروه خاصی، به سنت تبدیل می‌شود. «شین و همکارانش (۱۹۶۴) دریافتند پسرانی که کجرو می‌شوند به طور قطع با خرده فرهنگ بزهکاری در ارتباط بوده‌اند. جان اودانل (۱۹۶۹) می‌نویسد، مفهوم خرده‌فرهنگ حاکی از این است که کجرو در ارتباط با دیگران است» (نائیچی، ۱۳۸۷، ۲).

به نظر آلبرت کوهن، رفتار بزهکار اغلب در میان مردان طبقه پایین دیده می‌شود. هرچه جوانان طبقه پایین و محروم با آنهايي که در خرده فرهنگ بزهکاری هستند، تعامل بیشتری داشته باشند، احتمال اینکه این جوانان تعاریف و رفتارهای آن خرده فرهنگ را بگیرند، بیشتر است. به نظر کوهن، افرادی که دارای تعامل دائمی هستند، بزهکاران و ولگردان را به عنوان افرادی مهم در نظر خود تلقی می‌کنند و

احتمال بیشتری دارد که خرده فرهنگ بزهکاری را به عنوان راه حل مسائل خویش ببیند (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۶، ۱۲۶)

به نظر دیوید ماتزا (D.Matza)، اینکه بزهکاران دارای نظام ارزشی متفاوت از نظام ارزشی دیگران هستند، صحیح نمی‌باشد، زیرا اگر چنین است بزهکاران نباید هیچ گونه گناه و شرم از کردار خود داشته باشند در حالی که چنین نیست، به عقیده ماتزا بزهکار در مقام رد و نفی ارزش‌های فرهنگی نیست، بلکه وسیله دلیل تراشی برای اعمال خود است که به طور پنهانی در ارزش‌های جامعه وجود دارد. ماتزا سه عامل را در بزهکاری مؤثر می‌داند، بی اثر ساختن اهمیت اخلاقی قوانین، آموختن قبول بزهکاری از هم‌نشینان و در نهایت اراده ارتکاب بزهکاری که از شدت و دلهره و نیاز به بازسازی شخصیت و خلاقیت انسان سرچشمه می‌گیرد.

چرا که نیاز به انجام هرکاری برای اثبات شخصیت به شدت در جوانان وجود دارد، در حالیکه کژرفتاری آسانتر و امکان پذیرتر از راههای قراردادی و رسمی است (عبدی، ۱۳۷۱، ۴۶).

کلاوارد و اوهلین به نوعی به یگانگی اشاره دارند که در آن حالت افراد کجرو از این دیدگاه افرادی شکست خورده محسوب می‌شوند. این افراد گاه برای رسیدن به برخی اهداف اجتماعی و دستیابی به آن هدف از طریق رسمی و پذیرفته شده جامعه شکست می‌خورند.

به عبارت دیگر آنها بطور جمعی برای دستیابی به نیازهایشان نوعی خرده فرهنگ ایجاد می‌کنند که در بسیاری از مواقع با فرهنگ رسمی و متداول جامعه در تضاد و تباین قرار می‌گیرد. «در این خرده فرهنگ‌ها استفاده از شیوه‌های غیرقانونی و کاربرد خشونت متداول می‌شود و هنجارشکنی یک راه مقابله با فرهنگی در نظر گرفته می‌شود که راههای پیشرفت را برای آنها مسدود ساخته است» (همان، ۱۹۷). آنچه اعضای این خرده فرهنگ انجام می‌دهند به نوعی عکس‌العمل در برابر جامعه‌ای است که انتخاب دیگری برای آنها باقی نگذاشته است.

هر جامعه‌ای برای حفظ و ثبات امنیت، آسایش و ماندگاری خود مجموعه‌ای از هنجارها را در طول تاریخ می‌سازد این هنجارها البته به نسبت زمان مکان و خصوصیات انسانی از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت خواهد بود ضمن آنکه با گذشت زمان ما با تغییرات در ساختار و هنجارهای اجتماعی روبه‌رو می‌شویم، در این میان هر رفتاری که در جامعه برخلاف هنجارها و مقررات پذیرفته شده باشد، از طرف سایرین، آن فرد مرتکب کجرفتاری شده و او به عنوان یک کج رو شناخته خواهد شد.

بنابراین نظریات مرتن، کوهن، کلاوارد و اوهلین در مجموعه نظریه‌های بی‌هنجاری یا خرده

فرهنگ قرار می‌گیرند، به اعتقاد مرتن دلیل اصلی کج رفتاری انسانها شکاف بین اهداف اجتماعی و ابزار های رسیدن به آنها در جامعه است.

کوهن این مسأله را نیز به نظریه مرتن اضافه می‌کند که زمانی که انسانها در جامعه دچار ناکامی منزلتی شوند شکاف بین اهداف و ابزار می‌تواند منجر به کج‌روی انسانها شود.

نظریه‌های ساترلند، گلیرز، برگس، ایکرز در مجموعه نظریه‌های یادگیری قرار دارند. ساترلند از پیوند افتراقی بحث کرده و این که افراد به علت کج رفتاری می‌کنند که تعداد تماس‌های انحرافی آنان بیش از تماس‌های غیر انحرافی آنان است. گلیرز هویت‌پذیری افتراقی را مطرح می‌کند و مدعی شده که صرف پیوند افتراقی کسی که کج رفتار نمی‌کند و علت اصلی کج رفتاری را هویت‌پذیری از کج رفتاران می‌داند. برکس و ایکرز با طرح موضوع تقویت افتراقی این نکته را عنوان کرده‌اند که اگر کج رفتاری (نسبت به هم‌نویایی) با مقدار فراوانی و احتمال بیش‌تر رضایت بخش‌تر باشد، افراد آن را بر هم‌نویایی ترجیح خواهند داد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳). فرض اصلی نظریه‌های کنترل اجتماعی این بود که علت اصلی کج رفتاری فقدان کنترل اجتماعی است.

این که همه کس به طور طبیعی انگیزه ارتکاب کج رفتاری دارند و نیازی به تبیین انگیزه‌ها نیست، بلکه آنچه نیاز به توضیح و تبیین دارد هم‌نویایی با هنجارهای اجتماعی است. هیرشی مهمترین نظریه-پرداز این گروه مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه مهمترین علت و هم‌نویایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود یا نبود آن موجب اصلی کج رفتاری است (فریده ممتاز، ۱۳۸۱).

صاحب‌نظران بر چسب اعتقاد دارند، رفتار انحرافی امری عادی است، لکن جامعه رفتار آنها را در تعارض با هنجارهای اجتماعی می‌بیند، لذا فرد منحرف و بر چسب انحراف به او زده می‌شود.

۵- بیان فرضیه‌ها

- به نظر می‌رسد جنسیت و تکدی‌گری رابطه معنی‌داری دارند.
- به نظر می‌رسد سن و تکدی‌گری رابطه معنی‌داری دارند.
- به نظر می‌رسد تحصیلات و تکدی‌گری رابطه معنی‌داری دارند.
- به نظر می‌رسد تأهل و تکدی‌گری رابطه معنی‌داری دارند.
- به نظر می‌رسد محل تولد و تکدی‌گری رابطه معنی‌داری دارند.
- به نظر می‌رسد سلامت خانواده و تکدی‌گری رابطه معنی‌داری دارند.

- به نظر می‌رسد فقر و تکدی‌گری رابطه معنی‌داری دارند.
- به نظر می‌رسد نظارت خانواده و تکدی‌گری رابطه معنی‌داری دارند.
- به نظر می‌رسد دوستان و تکدی‌گری رابطه معنی‌داری دارند.
- به نظر می‌رسد اعتیاد و تکدی‌گری رابطه معنی‌داری دارند.
- به نظر می‌رسد بیکاری و تکدی‌گری رابطه معنی‌داری دارند.
- به نظر می‌رسد مهاجرت و تکدی‌گری رابطه معنی‌داری دارند.

۶- نتایج سنجش فرضیه‌ها

در این بخش جهت معنی‌داری رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته از ضرایب همبستگی اسپیرمن و پیرسون و جهت معنی‌داری تفاوت بین متغیرها از آزمون T مستقل و جهت تبیین داده‌ها از رگرسیون چندگانه یا چند متغیره با روش Enter و در نهایت جهت نقش هر یک از متغیرها در متغیر وابسته از تحلیل مسیر استفاده می‌گردد.

۶-۱- متغیرهای جمعیتی

نتایج سنجش رابطه بین متغیرهای جمعیتی، نشانگر وجود رابطه بین متغیرهای سن و بعد خانوار با تکدی‌گری و تفاوت معنی‌دار بین متغیرهای تأهل و محل تولد با تکدی‌گری است، لیکن میزان همبستگی یا تفاوت بین متغیرها متفاوت است.

میزان ضریب همبستگی سن و تکدی‌گری با $r = 0/345$ بیشترین همبستگی مثبت و مستقیم را نشان می‌دهد و بعد از آن بعد خانوار با $r = 0/203$ در رده بعدی قرار دارد و متغیر تحصیلات رابطه معنی‌داری با تکدی‌گری نداشته است و از بین متغیرهای جنس، تأهل و محل تولد، فقط محل تولد با تکدی‌گری تفاوت معنی‌دار، منفی و معکوس را نشان می‌دهد. نتایج فرضیه‌ها به تفکیک در ذیل می‌آید.

جدول شماره‌ی (۱۸) : میزان رابطه یا تفاوت متغیرهای جمعیتی با تکدی‌گری

نام متغیر	مقدار ضریب همبستگی یا تفاوت	سطح معنی داری	نوع آزمون	نتیجه
سن	۰/۳۴۵	۰/۰۰۰	پیرسون	رابطه مثبت و مستقیم است
جنس	-۰/۲۷۵	۰/۷۸۷	T مستقل	تفاوت معنی دار است
تأهل	-۳/۹۱۳	۰/۰۰۰	T مستقل	تفاوت منفی و معکوس است
بعد خانوار	۰/۲۰۳	۰/۰۴۲	اسپیرومن	رابطه مثبت و مستقیم است
تحصیلات	-۰/۰۸۴	۰/۴۰۹	اسپیرومن	رابطه معنی دار نیست
محل تولد	-۱/۳۰۷	۰/۰۲۴	T مستقل	تفاوت منفی و معکوس است

فرضیه اول: بین سن و تکدی‌گری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، مقدار همبستگی ۰/۳۴۵ و سطح معنی داری محاسبه شده یا sig برابر با ۰/۰۰۰ است که کوچکتر از ۰/۰۱ می‌باشد. لذا می‌توان گفت که به احتمال ۹۹ درصد بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با کمتر از یک درصد خطا وجود رابطه بین دو متغیر تأیید می‌گردد و با افزایش سن، تکدی‌گری نیز افزایش پیدا می‌کند.

فرضیه دوم: بین سطح تحصیلات و تکدی‌گری آنان رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد، مقدار همبستگی ۰/۰۸۴- و سطح معنی داری محاسبه شده یا sig برابر با ۰/۴۰۹ است که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد.

فرضیه سوم: بین بعد خانوار و تکدی‌گری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، مقدار همبستگی ۰/۲۰۳ و سطح معنی داری محاسبه شده یا sig برابر با ۰/۰۴۲ است که کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد. لذا می‌توان گفت که به احتمال ۹۵ درصد بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با کمتر از پنج درصد خطا وجود رابطه بین دو متغیر تأیید می‌گردد و هرچه تعداد افراد خانواده بیشتر باشد، تکدی‌گری نیز افزایش پیدا می‌کند.

فرضیه چهارم: بین جنسیت افراد و تکدی‌گری آنان تفاوت معناداری وجود ندارد، جهت معنی-داری تفاوت جنسیت و تکدی‌گری از آزمون T مستقل استفاده گردید که مقدار آن برابر با ۰/۲۷۵- و سطح معنی داری محاسبه شده یا sig برابر با ۰/۷۸۷ است که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد. لذا می‌توان گفت تفاوت معنی‌داری بین جنسیت و تکدی‌گری وجود ندارد.

فرضیه پنجم: بین تأهل افراد و تکدی‌گری آنان تفاوت معناداری وجود دارد، جهت معنی‌داری تفاوت تأهل و تکدی‌گری از آزمون T مستقل استفاده گردید که مقدار آن برابر با ۳/۹۱۳- و سطح معنی داری محاسبه شده یا sig برابر با ۰/۰۰۰ است، که بزرگتر از ۰/۰۱ می‌باشد. لذا می‌توان گفت

تفاوت معنی‌داری بین تأهل و تکدی‌گری وجود دارد، به عبارت دیگر تفاوت در وضعیت تأهل در نگرش پاسخگویان به تکدی‌گری متفاوت است.

فرضیه ششم: بین محل تولد افراد و تکدی‌گری آنان تفاوت معناداری وجود دارد، جهت معنی‌داری تفاوت تأهل و تکدی‌گری از آزمون T مستقل استفاده گردید که مقدار آن برابر با $1/307-$ و سطح معنی‌داری محاسبه شده یا sig برابر با $0/024$ است، که بزرگتر از $0/05$ می‌باشد. لذا می‌توان گفت تفاوت معنی‌داری بین محل تولد و تکدی‌گری وجود دارد، به عبارت دیگر تفاوت در محل تولد در نگرش پاسخگویان به تکدی‌گری متفاوت است.

۶-۲- متغیرهای خانواده

نتایج سنجش رابطه بین متغیرهای خانواده، نشانگر وجود رابطه بین متغیرهای نظارت خانواده و سلامت خانواده با تکدی‌گری و عدم وجود رابطه بین اعتیاد پدر با تکدی‌گری پاسخگویان می‌باشد. لیکن میزان همبستگی بین متغیرها متفاوت است. میزان ضریب همبستگی نظارت خانواده و تکدی‌گری با $r = 0/422-$ بیشترین همبستگی منفی و معکوس را نشان می‌دهد و بعد از آن سلامت خانواده با $r = 0/285$ در رده بعدی قرار دارد و متغیر اعتیاد پدر رابطه معنی‌داری با تکدی‌گری نداشته است. نتایج فرضیه‌ها به تفکیک در ذیل می‌آید.

فرضیه هفتم: بین نظارت خانواده و تکدی‌گری رابطه منفی و معکوس وجود دارد، مقدار همبستگی $0/422$ و سطح معنی‌داری محاسبه شده یا sig برابر با $0/000$ است که کوچکتر از $0/01$ می‌باشد. لذا می‌توان گفت که به احتمال ۹۹ درصد بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با کمتر از یک درصد خطا وجود رابطه بین دو متغیر تأیید می‌گردد و با افزایش کنترل خانواده، تکدی‌گری کاهش پیدا می‌کند.

فرضیه هشتم: بین سلامت خانواده و تکدی‌گری آنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، مقدار همبستگی $0/285$ و سطح معنی‌داری محاسبه شده یا sig برابر با $0/004$ است که کوچکتر از $0/01$ می‌باشد. لذا می‌توان گفت که به احتمال ۹۹ درصد بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد به عبارت دیگر با کمتر از یک درصد خطا وجود رابطه بین دو متغیر تأیید می‌گردد و با افزایش سلامت اعضای خانواده، تکدی‌گری افزایش می‌یابد.

جدول شماره‌ی (۱۹): میزان رابطه متغیرهای خانواده با تکدی‌گری

نام متغیر	مقدار ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری	نوع آزمون	نتیجه
نظارت خانواده	-۰/۴۲۲	۰/۰۰۰	اسپیرمن	رابطه منفی و معکوس است
سلامت خانواده	۰/۲۸۵	۰/۰۰۴	اسپیرمن	رابطه مثبت و مستقیم است
اعتیاد پدر	-۰/۰۲۵	۰/۸۰۹	اسپیرمن	رابطه معنی دار نیست

فرضیه نهم: بین اعتیاد پدر و تکدی‌گری رابطه معناداری وجود ندارد، مقدار همبستگی $-۰/۰۲۵$ و سطح معنی داری محاسبه شده یا sig برابر با $۰/۸۰۹$ است که بزرگتر از $۰/۰۵$ و $۰/۰۱$ می‌باشد، لذا اعتیاد پدر در تکدی‌گری پاسخگویان تأثیری ندارد.

۶-۳- متغیرهای فقر و بیکاری

نتایج سنجش رابطه بین متغیرهای فقر اقتصادی و بیکاری، نشانگر وجود رابطه بین متغیر فقر با تکدی‌گری و عدم وجود رابطه بین بیکاری و آشنایی با حرفه خاص با تکدی‌گری پاسخگویان می‌باشد. میزان ضریب همبستگی فقر و تکدی‌گری با $r = -0/425$ همبستگی منفی و معکوس را نشان می‌دهد و متغیرهای بیکاری و آشنایی با حرفه خاص رابطه معنی داری با تکدی‌گری نداشته است. نتایج فرضیه‌ها به تفکیک در ذیل می‌آید.

جدول شماره (۲۰): میزان رابطه متغیرهای فقر و بیکاری با تکدی‌گری

نام متغیر	مقدار ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری	نوع آزمون	نتیجه
فقر اقتصادی	-۰/۴۲۵	۰/۰۰۰	اسپیرمن	رابطه منفی و معکوس است
بیکاری	-۰/۰۰۲	۰/۹۸۶	اسپیرمن	رابطه معنی دار است
آشنایی با حرفه خاص	-۰/۱۰۲	۰/۳۱۲	اسپیرمن	رابطه معنی دار نیست

فرضیه دهم: بین فقر و تکدی‌گری رابطه معنی داری وجود دارد، مقدار همبستگی $-۰/۰۰۲$ و سطح معنی داری محاسبه شده یا sig برابر با $۰/۹۸۶$ است که بزرگتر از $۰/۰۵$ و $۰/۰۱$ می‌باشد. لذا می‌توان گفت که به احتمال ۹۹ درصد بین دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه یازدهم: بین بیکاری و تکدی‌گری رابطه معناداری وجود ندارد، مقدار همبستگی $-۰/۰۰۲$ و سطح معنی داری محاسبه شده یا sig برابر با $۰/۹۸۶$ است که بزرگتر از $۰/۰۵$ و $۰/۰۱$ می‌باشد، لذا بیکاری تأثیری در تکدی‌گری ندارد.

فرضیه دوازدهم: بین آشنایی با حرفه خاص و تکدی‌گری رابطه معناداری وجود ندارد، مقدار

همبستگی $0/102-$ و سطح معنی‌داری محاسبه شده یا sig برابر با $0/312$ است که بزرگتر از 5% و $0/01$ می‌باشد، لذا آشنایی با حرفه خاص، در تکدی‌گری پاسخگویان تأثیری ندارد.

۴-۶- مهاجرت

نتایج سنجش، نشانگر وجود تفاوت بین متغیرمهاجرت با تکدی‌گری است. میزان تفاوت بین مهاجرت و تکدی‌گری با $2/076$ تفاوت مثبت و مستقیم را نشان می‌دهد. نتایج فرضیه در ذیل می‌آید. **فرضیه سیزدهم:** بین مهاجرت و تکدی‌گری تفاوت معناداری وجود دارد، جهت معنی‌داری تفاوت مهاجرت و تکدی‌گری از آزمون T مستقل استفاده گردید که مقدار آن برابر با $2/076$ و سطح معنی‌داری محاسبه شده یا sig برابر با $0/000$ است که بزرگتر از $0/01$ می‌باشد. لذا می‌توان گفت تفاوت معنی‌داری بین مهاجرت و تکدی‌گری وجود دارد.

جدول شماره‌ی (۲۱): میزان تفاوت میانگین متغیر مهاجرت با تکدی‌گری

نام متغیر	تفاوت میانگین (T)	سطح معنی‌داری	نوع آزمون	نتیجه
مهاجرت	۲/۰۷۶	۰/۰۰۰	T	تفاوت معنی‌دار است

۵-۶- دوستان

نتایج سنجش، نشانگر وجود رابطه بین متغیردوستان با تکدی‌گری است. میزان ضریب همبستگی دوستان و تکدی‌گری با $r=0/237$ همبستگی مثبت و مستقیم را نشان می‌دهد. نتایج فرضیه در ذیل می‌آید.

فرضیه چهاردهم: بین دوستان و تکدی‌گری تفاوت معناداری وجود دارد، جهت معنی‌داری تفاوت مهاجرت و تکدی‌گری از آزمون T مستقل استفاده گردید که مقدار آن برابر با $0/237$ و سطح معنی‌داری محاسبه شده یا sig برابر با $0/018$ است که بزرگتر از $0/05$ می‌باشد. لذا می‌توان گفت تفاوت معنی‌داری بین مهاجرت و تکدی‌گری وجود دارد، به عبارت دیگر با تفاوت دوستان، تکدی‌گری افزایش می‌یابد و با افزایش نقش دوستان در زندگی فرد، تکدی‌گری افزایش می‌یابد.

جدول شماره‌ی (۲۲): میزان رابطه دوستان با تکدی‌گری

نام متغیر	مقدارضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری	نوع آزمون	نتیجه
دوستان	۰/۲۳۷	۰/۰۱۸	اسپیرمن	رابطه مثبت و مستقیم است

۷- نتایج حاصل از رگرسیون

علت‌یابی یا تبیین متغیرها با تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم متغیرهای اجتماعی بر تکدی‌گری اندازه‌گیری می‌گردد. برای رسیدن به هدف مورد نظر از رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر استفاده می‌گردد. با توجه به اینکه رگرسیون چندگانه اثرات مستقیم متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته سنجش می‌نماید، برای تبیین غیرمستقیم اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل مسیر استفاده می‌گردد، زیرا تحلیل مسیر اثرات مستقیم و غیرمستقیم را بر متغیر وابسته بصورت توأم امکان‌پذیر می‌نماید. در این بخش متغیرهای اجتماعی با استفاده از رگرسیون چندگانه به روش Enter بررسی و اثر آنها بر تکدی‌گری سنجش گردید.

با توجه به نتایج داده‌ها، مقدار $R = 0.724$ برابر $R^2 = 0.524$ ، مقدار $R^2 = 0.524$ برابر با 0.524 ($r = 0.724$)، مقدار R^2 برابر با 0.524) می‌باشد که بیانگر آنست که $52/4$ درصد تغییرات در متغیر وابسته با عامل اجتماعی تبیین می‌گردد. محاسبه واریانس یک طرفه نیز معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی را نشان می‌دهد، زیرا سطح معنی‌داری محاسبه شده یا sig برابر با 0.000 می‌باشد که معنی‌دار بودن آنرا در سطح 99 درصد تأیید می‌کند.

جدول شماره (۲۳): نتیجه محاسبه رگرسیون متغیرهای اجتماعی بر تکدی‌گری

میزان تأثیر	$R = 0.724$	$R^2 = 0.524$	$R^2_{Ad} = 0.452$
رگرسیون	$df = 13$	$F = 7.292$	$sig = 0.000$

همچنین T تک تک ضرایب رگرسیون نیز محاسبه گردیده و سطح معنی‌داری آنها در جدول شماره ۲۴ ذکر شده است که بر اساس آن متغیرهای سن، بعد خانوار، سلامت خانواده، فقر و نظارت خانواده بر تکدی‌گری تأثیرگذار می‌باشند.

سطح معنی‌داری محاسبه‌شده سن، برابر با 0.030 ، بعد خانوار برابر با 0.038 و سلامت خانواده برابر با 0.056 است که نشانگر آنست در سطح 95 درصد تأیید می‌گردند. همچنین سطح معنی‌داری محاسبه شده فقر و بعد خانوار برابر با 0.000 است که نشانگر آنست که در سطح 99 درصد تأیید می‌گردد. بعبارت دیگر متغیرهای مذکور بر تکدی‌گری مؤثر هستند.

جدول شماره (۲۴): نتیجه محاسبه تک‌تک متغیرهای اجتماعی بر تکدی‌گری

متغیرها	Beta	T	sig
سن	۰/۲۹۳	۲/۲۰۷	۰/۰۳۰
جنس	-۰/۰۷۲	-۰/۵۸۵	۰/۵۶۰
وضعیت تأهل	-۰/۱۹۰	-۰/۱۹۰	۰/۰۶۵
بعد خانوار	-۱/۷۶۴	-۲/۱۰۴	۰/۰۳۸
تحصیلات	۰/۰۴۷	۰/۵۰۹	۰/۶۱۲
محل تولد	-۰/۱۱۴	-۱/۱۹۲	۰/۲۳۷
فقر	-۰/۳۵۴	-۳/۸۰۶	۰/۰۰۰
کنترل خانواده	-۰/۳۹۲	-۴/۶۲۰	۰/۰۰۰
اعتیاد	-۰/۰۶۵	-۰/۷۵۴	۰/۴۵۳
بیکاری	-۰/۰۰۶	-۰/۰۵۶	۰/۹۵۵
آشنایی با حرفه	-۰/۱۰۰	-۱/۰۳۸	۰/۳۰۲
سلامت خانواده	۰/۱۷۴	۱/۹۳۵	۰/۰۵۶
مهاجرت	-۰/۰۰۷	-۰/۰۸۳	۰/۹۳۴

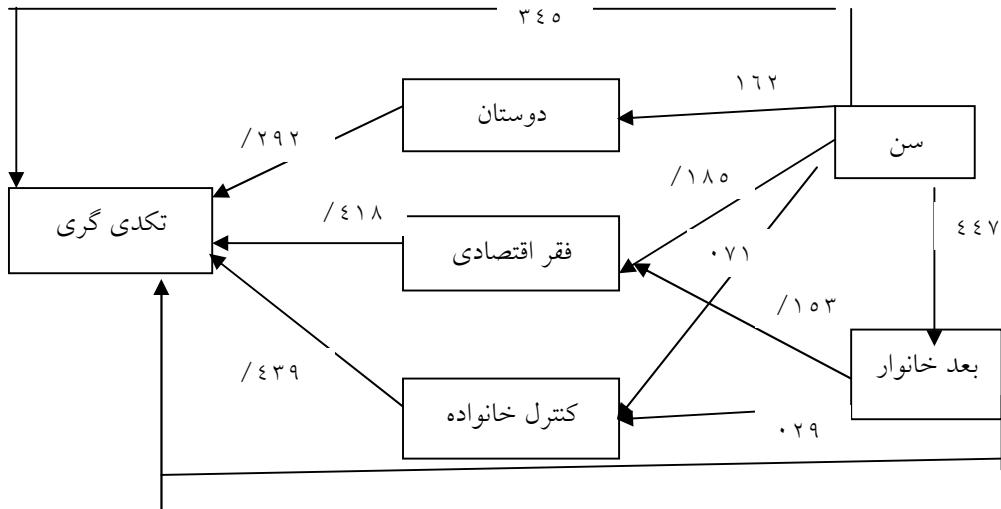
در مدل نظری تحقیق، اثرات عوامل اجتماعی بصورت مستقیم و غیرمستقیم بر متغیر تکدی‌گری سنجش گردید. متغیرهای سن، بعد خانوار، دوستان، فقر اقتصادی و کنترل خانواده بطور مستقیم و اثر متغیرهای سن و بعد خانوار از طریق متغیرهای دوستان، فقر اقتصادی و کنترل خانواده با واسطه بررسی گردید که نتایج آن در ذیل می‌آید.

۱-۷ سن: بصورت مستقیم و غیرمستقیم به ترتیب با ضریب بتای ۰/۳۴۵ و ۰/۶۳۳ - بر تکدی‌گری تأثیرگذار می‌باشد و در مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر سن بر متغیر وابسته ۰/۲۸۸- می‌باشد که نشانگر همبستگی بالایی نیست.

۲-۷ بعد خانوار: بصورت مستقیم و غیرمستقیم به ترتیب با ضریب بتای ۰/۰۵۷ و ۰/۹۸۱- بر تکدی‌گری تأثیرگذار می‌باشد و در مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر بعد خانوار بر متغیر وابسته ۰/۹۲۴- می‌باشد که نشانگر همبستگی بالایی است.

۳-۷ دوستان: بصورت مستقیم با ضریب بتای ۰/۲۹۲ بر تکدی‌گری تأثیرگذار می‌باشد که نشانگر همبستگی بالایی نیست.

دیاگرام تحلیل مسیر



۴-۷- فقر اقتصادی: بصورت مستقیم با ضریب بتای ۰/۴۱۸ - بر تکدی‌گری تأثیرگذار می‌باشد، که نشانگر همبستگی بالایی نیست.

۵-۷- کنترل خانواده: بصورت مستقیم با ضریب بتای ۰/۴۳۹ - بر تکدی‌گری تأثیرگذار می‌باشد که نشانگر همبستگی بالایی نیست.

جدول شماره (۲۵): مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تأثیرگذار بر تکدی‌گری

متغیر مستقل	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	مجموع اثرات
سن	۰/۳۴۵	-۰/۶۳۳	-۰/۲۸۸
بعد خانوار	۰/۰۵۷	-۰/۹۸۱	-۰/۹۲۴
فقر اقتصادی	-۰/۴۱۸	-	-۰/۴۱۸
دوستان	۰/۲۹۲	-	۰/۲۹۲
کنترل خانواده	-۰/۴۳۹	-	-۰/۴۳۹

در مجموع بعد خانوار با اثرات مستقیم و غیر مستقیم ۰/۹۲۴- به نسبت بقیه بیشترین همبستگی را

با تکدی‌گری داشته و سپس به ترتیب متغیرهای نظارت خانواده و فقر اقتصادی به ترتیب با ۰/۴۳۹ و ۰/۴۱۸ - و سپس دوستان و سن به ترتیب با ۰/۲۹۲ و ۰/۲۸۸ - در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

۸- نتیجه‌گیری

تکدی‌گری به عنوان یک پدیده اجتماعی با شکل‌گیری بشریت متولد گردید و تاکنون به واسطه فقر اقتصادی تداوم یافته است. نهادهای اجتماعی از جمله خانواده و سازمان بهزیستی تاکنون نتوانسته‌اند راهکار مناسبی در جهت مقابله با آن طراحی کنند. امروزه تکدی‌گری یک پدیده زشت اجتماعی است که مورد نکوهش واقع شده است.

گاهی متکدیان برای انجام اعمال خلاف مانند خرید و فروش مواد مخدر به تکدی‌گری روی می‌آورند که با ساختارهای فرهنگ اسلامی کشور ما سازگار نیست.

لکن با این وجود، این پدیده در شهرها بویژه در شهرهای بزرگ از معضلات اجتماعی گریبانگیر بوده که متکدیان با شیوه‌های گوناگون و با سوء استفاده از احساسات و عواطف انسانی، به دنبال کسب منافع شخصی هستند.

نتایج بررسی نشان می‌دهد، سلامت و نظارت خانواده بر تکدی‌گری تأثیرگذار هستند، زیرا هرچه کنترل اجتماعی خانواده بر فرزندان کم‌رنگ‌تر باشد، شرایط برای انحراف بیشتر فراهم می‌شود. لذا نظریه کنترل اجتماعی در ایران صادق است. همچنین در این پژوهش متکدیان چاره‌ای جز ابزارهای غیرقانونی برای رسیدن به هدف که همانا کسب ثروت است، ندارند که با نظریه‌های بهنجاری مرتن و خرده فرهنگ کوهن سازگار است. به اعتقاد مرتن علت اصلی کجرفتاری انسانها، شکاف بین اهداف فرهنگی و وسایل آن است و به نظر کوهن، هنگامیکه انسان‌ها دچار ناکامی منزلتی شوند، شکاف بین اهداف و ابزار و وسایل می‌تواند منجر به انحراف گردد.

دوستان نیز یکی از متغیرهای تأثیرگذار در گرایش به بزهکاری است که نشان می‌دهد نظریه‌های پیوند افتراقی برگس، ایکرز و ساترلند در جامعه ما صادق است. به اعتقاد ساترلند، هنگامی که تعداد تماس‌های انحرافی بیشتر از تماس‌های غیرانحرافی باشد، فرد منحرف تلقی می‌گردد و برگس و ایکرز بر تقویت افتراقی تأکید کرده‌اند که طی آن هرچه کجرفتاری رضایت‌بخش‌تر باشد، افراد بیشتر آن را ترجیح می‌دهند. کلام آخر اینکه تکدی‌گری واقعیت تلخ جامعه ایران است که دولتمردان و مدیران کشور باید با برنامه ریزی و همت والا و با پشتکاری مثال‌زدنی راهکار اجرایی در جهت کاهش آن پیدا نمایند. ایجاد اشتغال جهت فقرزدایی و پوشش بیمه‌ای اقشار آسیب‌پذیر به ویژه سالمندان و از کار

افتادگان و معلولان گام جدی در جهت براندازی آن یا حداقل کاهش جدی آن می‌باشد که امید است در آینده‌ای نزدیک شاهد آن باشیم.

فهرست منابع

- استیسی، د. رالف، ۱۳۷۸، مدیریت بر شناخته‌ها، مترجمان محسن قدمی و مسعود نیازمند، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- پرت واین، دیوید و ساترلند، ادوین، ۱۳۸۶، روانشناسی و جرم، ترجمه داوود نجفی توانا، تهران .
- تنهایی، حسین ابوالحسن، ۱۳۷۴، مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، گناباد: نشر مردیز.
- حاجیان مطلق، محمود، ۱۳۸۱، تأملی بر پدیده تکدی و ریشه‌های آن در ایران، خرداد .
- حاجیان مطلق، محمود، ۱۳۸۵، امپراطوری تکدی: نگاهی به تکدی‌گری در دنیا و راه‌های مبارزه با آن، نشریه شرق.
- رابرتسون، یان، ۱۳۷۴، درآمدی بر جامعه، چاپ دوم، ترجمه حسین بهروان، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی .
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۷، در یوزگان (پژوهشی در شناخت تکدی در تهران)، نشر کلمه.
- ستوده، هدایت الله، ۱۳۸۰، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: انتشارات آوای نور.
- شیخاوندی، داور، ۱۳۵۳، جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: نشر و پخش کتاب، چاپ دوم.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله، ۱۳۸۳، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، نشر آن.
- عبدی، عباس، ۱۳۷۱، آسیب‌شناسی اجتماعی و تأثیر زندان بر زندانیان، تهران، انتشارات نور.
- قنادان، منصور و همکاران، ۱۳۷۵، مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات آوای نور.
- فتحی، شاهین و دیگران، ۱۳۸۰، بررسی ویژگی‌های متکدیان شهر تهران. وزارت کشور، استانداری تهران، معاونت سیاسی- امنیتی.
- کوچکیان‌فرد، حسین، ۱۳۸۱، مفهوم تکدی و اقدامات دولت و سازمان‌های غیردولتی در برخورد با آن، روش پیشگیری کودکان خیابانی و تکدی (مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران)، تهران: انتشارات آگاه.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۶، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
- مظفری، علیرضا، محمدی، اکبر، ۱۳۷۹، «بررسی علل تکدی‌گری در استان آذربایجان غربی»، وزارت کشور، حوزه معاونت سیاسی و امنیتی استان، دفتر امور اجتماعی و انتخابات.
- ممتاز، فریده، ۱۳۸۱، انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- نائیجی، مختار، ۱۳۸۷، علل گرایش به اعتیاد و راه‌های پیشگیری و درمان آن، خبرگزاری دانشجویان ایران.
- ۲۱- نریمانی، محمد، ۱۳۸۰، «بررسی پدیده تکدی‌گری و رابطه آن با فقر در استان اردبیل»، مؤسسه مطالعات و تحقیقات استان اردبیل.
- ۲۲- ویلیامز، فرانک پی و مک شین، ماری لین وی، ۱۳۸۶، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ دوم .